

سکولاریسم به ما چه می گوید؟

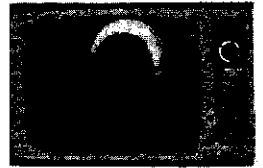
حجت الاسلام دکتر محمدتقی سبحانی

رسانه و سکولاریسم؛ کنار هم نهادن این عناوین بی آنکه در معنای هر یک، مذاقه لازم صورت پذیرد، ما را مستعد خطا در چنین حوزه اندیشه ای و معرفتی مهمی می سازد. وقتی از رسانه و سکولاریسم سخن می گوئیم، باید در وهله نخست، معنایی را که از سکولاریسم قصد کرده ایم، به روشنی برای شنونده سخنانمان بیان کنیم تا از ایجاد سوء تفاهم در اذهان، پیشگیری شود.

تعاریف

به گمان نگارنده، میان سکولاریسم و سکولاریزاسیون^۱ تفاوت وجود دارد و باید آنها را از هم تفکیک کرد؛ زیرا سکولاریزاسیون یک نظریه اجتماعی است که خاستگاه اصلی آن مغرب زمین است. این دیدگاه که از عمر آن، تنها دو قرن می گذرد و حاصل ورود غرب به دنیای مدرن است، ناظر به دنیای دیگری نیست و نه در صدد توصیف عینی نظری از وقایع است و نه در پی ارائه راه حل است. این درست بر خلاف سکولاریسم است که یک مکتب فلسفی است، توصیف کننده است، عام نگر است و البته مدعی است که برای زندگی انسان ها، راه حل دارد.

به این ترتیب، باید در قدم نخست، مشخص کرد که کدام یک از این دو مقصود ماست. اگر در پی آنیم که بدانیم رسانه تلویزیون با سکولاریزاسیون یک پدیده اجتماعی، از یک فرآیند قدسی به فرآیندی عرفی می رسد، نتایج بررسی ما متفاوت با زمانی خواهد بود که به رسانه و سکولاریسم می پردازیم. پس در وهله نخست، باید تعریف خود را از مقوله های سکولار بیان کنیم؛ زیرا اگر بگوئیم ایندیویدوالیسم^۲ به منزله فردیت و رشونالیسم^۳ به مثابه عقلانیت، عناصر عرفی ساز یا سکولار هستند و بعد بگوئیم با اینها، تغییر از حالت قدسی به حالت عرفی اتفاق می افتد یا خیر، حاصلی برای ما نخواهد داشت؛ زیرا جدا از ارزش های علمی این بحث که در جای خود محترم



حجت الاسلام دکتر محمدتقی

سبحانی

متولد سال ۱۳۲۲ شهر شیراز

تحصیلات:

دانش اموخته حوزه علمیه قم (خارج فقه

و اصول)

دکترای فلسفه از دانشگاه تربیت مدرس -

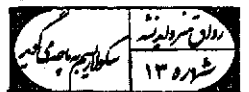
قم

تالیفات:

درآمدی بر نظام شخصیتی زن

الگوی جامع شخصیتی زن

و ...



استه اگر ثابت شود تلویزیون با این مفاهیم از سکولاریسم هیچ نسبتی ندارد، باز هم اینها تنها مفاهیم سکولاریستی ما نیستند که با نفی آنها، رسانه از محاق سکولاریسم به در آید. بله، ایندیویدیالیسم یا رشونالیسم از عناصری هستند که می توانند جامعه را سکولار سازند ولی نقاط مقابل این دو نحله فکری، یعنی فرآیندهای ضد عقلانی و ضد فردی نیز می توانند چنین کنند.

هنگامی که از سکولاریزاسیون سخن می گوئیم، باید عناصر عرفی شدن و عناصر قدسی شدن را در جامعه مدرن بررسی کنیم تا دربابیم رسانه تلویزیون با این گزاره ها یا عناصر نسبتی برقرار می کند یا خیر. این یک مطالعه اجتماعی رسانه ای است که اگر چه در جای خود، مفید است؛ ولی برای ما که در محیط و جامعه ای به کلی متفاوت با غرب زندگی می کنیم، موضوعیتی ندارد. به نظر می رسد باید در مطالعات رسانه ای، به نسبت میان آن و سکولاریسم بیندیشیم.

از این نکته نباید غافل ماند که با مطرح شدن نام سکولاریسم، به ویژه در کشورهای جهان سوم، خلطهایی روی می دهد که ما را از دست یابی به نتیجه مورد نظر باز می دارد؛ زیرا غالباً سکولاریسم را با الحاد^۱ اشتباه می گیریم؛ در حالی که در واقع، این گونه نیست. تاریخ این واژه نیز نشان می دهد که چنین نسبت هایی به سکولاریسم یا سکولاریست ها داده می شده است؛ یا نسبتی که بین سکولاریسم و لاتیسیسم^۲ برقرار می شده است. سکولاریسم نه الحاد است و نه لاتیسیسم. ممکن است در بعضی زمان ها، فرد سکولار ملحد هم بوده باشد یا دارای اندیشه های لاتیسیته؛ اما این دلیل بر یکی بودن این مفاهیم نیست. لاتیسیسم یک ایدئولوژی سیاسی است؛ در حالی که سکولاریسم نه ایدئولوژی است و نه به طور مستقیم، با سیاست ارتباطی دارد. گواه این مدعا تاریخ این واژه در غرب و تقریرهای واژه شناسان این مکتب فکری است.

سکولاریسم واژه ای است که در نیمه دوم قرن نوزدهم، در غرب پدید آمده است؛ ولی پیشینه دیرینه تری دارد. اصل این واژه تقریباً در اوایل نیمه دوم قرن نوزدهم پدید آمد. مفهوم اصلی این واژه ایدئولوژی نیست. گفته می شود، سکولاریسم یک رویکرد است یا به تعبیر دقیق تر، سکولاریسم یک فلسفه است. به بیان اندیشمندان غربی، سکولاریسم به بیان فلسفه زندگی می پردازد؛ یعنی نگاهش به هستی و حیات انسانی، نگاهی عام است و می خواهد به انسان های این دوران، نوع زندگی را پیشنهاد کند؛ پیشنهادی که البته با آنچه تعالیم اسلام و مسیحیت و در مجموع، دین های ابراهیمی دارند، بسیار متفاوت است.

اسکولاریسم به ما می گوید که انسان ها می توانند سعادت این جهان خود را با ابزارهای این جهانی به دست آورند. به بیان دیگر، انسان برای رسیدن به خوشبختی یا راه درست زندگی در جهان، می تواند از معرفتی که به کمک ابزارهای دنیوی به دست می آورد، بهره ببرد. در حقیقت، عناصر اصلی و اساسی سکولاریسم از دو چیز تشکیل شده است:

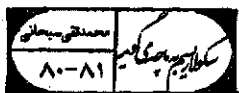
۱. دست یابی به سعادت این جهانی؛

مسئولیت ها:

مدیریت پژوهشی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (۱۳۷۶-۱۳۷۳)
مدیریت مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما (۱۳۸۱-۱۳۷۵)
معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی قم
رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



1. Secularization
2. Individualism
3. Rationalism
4. Atheism
5. Laicism



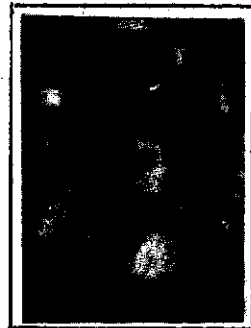
چرا ما انسان‌ها در این دنیا، زندگی می‌کنیم؛ زیرا همگی در پی نوعی از سعادت هستیم. سکولاریسم در مرحله نخست، این سعادت را معنا می‌کند؛ معنایی کاملاً دنیوی. این سعادت در برابر آن سعادت است که از تعاریف و تعالیم ادیان ابراهیمی به دست می‌آید؛ زیرا آنها سعادت حقیقی انسان‌ها را در دنیایی دیگر دنبال می‌کنند.

۲. دست یافتن به این سعادت در همین دنیا امکان‌پذیر است:

سکولاریست‌ها البته منکر وجود سعادت در دنیایی دیگر نمی‌شوند؛ ولی معتقدند می‌توان آن سعادت را در همین دنیا، به دست آورد؛ بی آنکه نیاز باشد انسان را به دنیایی دیگر حواله داد. از طرفی، آنها می‌گویند می‌توان این سعادت را با ابزارهای دنیوی، به دست آورد و هیچ نیازی به ابزارهای فرا انسانی یا آسمانی نداریم. به بیان دیگر، سکولاریسم می‌گوید، در پی منشأ یا منبعمی فراتر از عقل بشری نباشید. عقل نیز در اینجا، به معنای مفهومی بسیار عام است که خیلی چیزها را در بر می‌گیرد.

این پیشنهاد اصلی سکولاریسم به ماست. با این تعریف، دیگر نمی‌توان گفت سکولاریسم با دین سر ستیز دارد. درست برخلاف لائسیسم که به طور مطلق، میان دین و دنیا خط‌کشی می‌کند نمونه‌های زنده آن را این روزها، می‌توان در فرانسه یا ترکیه شاهد بود؛ در حالی که سکولاریسم چنین خط و مرزی نمی‌کشد. به همین دلیل است که در واژگان و ادبیات موجود، می‌توان از دین سکولار، ممنوبیت سکولار یا اخلاق سکولار نیز سخن گفت. البته ناگفته پیداست که مطلوب سکولاریسم، دین، اخلاق و ممنوبیتی است که بتواند سعادت این دنیایی را برای انسان فراهم کند؛ البته با کمک همان ابزار معرفتی انسان سکولار، یعنی عقل؛

با توجه به تعریف ارائه شده، حال می‌توان گفت، کسانی که احساس می‌کنند رسانه سکولار در برابر رسانه دینی است، نخستین نتیجه این نگرش آن است که بگوییم دچار یک اشتباه فاحش شده‌اند؛ زیرا در برابر رسانه سکولار، رسانه دینی نیست. بر عکس، تلویزیون می‌تواند صبح تا شب، برنامه‌های دینی، معنوی و اخلاقی تولید و پخش کند و رسانه‌ای سکولار هم باشد؛ این



زمانی تحقق خواهد یافت که آن برنامه ها با ویژگی های سکولاریستی ساخته شده باشند؛ یعنی در ساخت آن برنامه ها، از دینی بهره ببرند که ابزارهای لازم برای سعادت انسان ها را دنیوی جلوه دهد؛ دینی که عقل انسانی را تنها منشأ و مرجع قابل قبول برای تأمین سعادت انسان بداند و نشانی هایی که برای رسیدن به سعادت می دهد، همه از مسیر ابزارهای دنیوی عبور کنند؛ دینی که می کوشد ارتباط انسان با آسمان را قطع کند.

ابعاد

تلویزیون مقوله‌ای ترکیبی است؛ زیرا در این مقوله، می توان سه بُعد را یازشناسی کرد. نظریه پردازها در این باره، به صورت مبسوط سخن گفته اند.

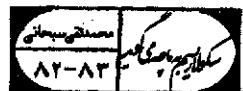
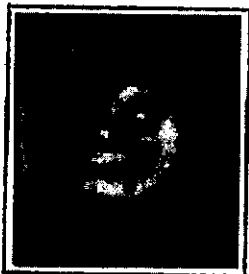
۱. ما گاهی تلویزیون را مقوله‌ای وجودی می‌دانیم. همان گونه که پاره ای از فیلسوفان پست مدرن غرب، به ویژه *اگزیستانسیالیست‌ها*، به رسانه می‌نگرند؛ نگاهی شناختی. پاره ای از متفکران داخلی نیز در مواجهه با این پدیده، چنین نگاهی داشته اند و به ارائه تحلیل پرداخته اند.

۲. یکی از ابعاد مهم رسانه‌ای چون تلویزیون، بُعد تکنولوژیک آن است. تلویزیون مانند هر ابزار دیگری، در بستر اجتماعی عمل می کند. ما در وهله نخست، باید ساختار یا ماهیت یک تکنولوژی را به درستی بشناسیم تا آن گاه، بتوانیم درباره نسبت هایی که آن تکنولوژی می تواند با زندگی اجتماعی انسان، به ویژه مقوله مهم دین برقرار کند، سخن بگوییم. ساده ترین مثالی که می توان درباره کارکردهای ابزاری چون تلویزیون زد، همان کاربردهای متفاوت چاقو است. با ابزاری چون چاقو می توان اجسام سخت را برید و هم می توان به قتل دست زد. تکنولوژی ابزار پیچیده ای است که به علت ابزار بودنش، در پی تغییر است. پرسش مهم این است؛ رسانه ای چون تلویزیون، می خواهد ما را به چه وضعی برساند؟ به تعبیر دیگر، وضع مطلوب از دید رسانه چیست؟ در این تغییر و تحول به سوی آن مطلوب معهود، جایگاه دین کجاست؟ اینها پرسش هایی مهم در حوزه رسانه شناسی است.

اکنون، اگر تعریف سکولاریسم را در نظر بیاوریم و آن را به تکنولوژی رسانه تسری دهیم،

6. Existentialism

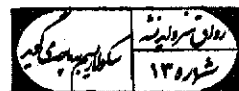
۷. ابزار ساده ای چون چاقو، هنگامی که هتونه ای را می برد، در شکل آن تغییری ایجاد می کند که نوعی از تصرف است. پس ابزاری چون رسانه، با همه پیچیدگی هایش، می خواهد وضع موجود را زیر و رو کند و ما را به وضع مطلوبی که مراد می کند برساند.



آنگاه می توان کارکرد تکنولوژیک این رسانه را دریافت؛ زیرا رسانه با ورود به محیط زندگی ما، می کوشد تعریف خود از سعادت را که مطابق تعاریف سکولاریسم است، به ما بیاموزد و آن را جایگزین تعریف سعادت اذیان ابراهیمی سازد. این همان کارکرد تکنولوژی است. این تکنولوژی می تواند انسان را خودبسندگی کند، مستقل سازد و در چهارچوب حیات دنیا و سعادت دنیوی خلاصه کند.

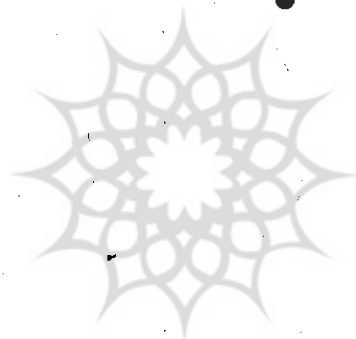
۳. تلویزیون یک رسانه^۸، به معنای خاص است؛ یعنی با کارکردهایی که یک رسانه دارد، از ناحیه یک مبدأ، پیامی را به یک مقصد می رساند؛ به ویژه تلویزیون که از ابزارها و امکانات مختلفی در انتقال پیام استفاده می کند. وقتی ما از رسانه سخن می گوئیم، توجه داریم که ما دست کم، دو عنصر هر رسانه را در اختیار داریم؛ یکی پیام^۹ و دیگری نمادهایی^{۱۰} که این پیام را از طریق آنها منتقل می کنیم. درباره پیام یا محتوای می توان بحث کرد که آیا رسانه های ایران پیام های متناسب با تعاریف ارائه شده از سکولاریسم را به بیننده منتقل می کنند یا خیر. این نکته در جای خود، پژوهش های مهمی را می طلبد؛ اما از محتوا که بگذریم، مهم تر و عمیق تر از آن، نمادهایی هستند که تلویزیون در انتقال پیام، به کار می بندد. می توان یک پیام دینی آسمانی را بر نمادی استوار کرد که وقتی این نماد به مخاطب منتقل می شود، پیام آسمانی را در سطح عرفی مورد نظر خویش بیان کند. تاریخ رسانه تلویزیون نشان می دهد که این تکنولوژی نمادهای آسمانی را به سرعت و با شدت و قوت، عرفی می سازد. این سخن بدان معنا نیست که عرفی سازی، ذاتی رسانه ای چون تلویزیون است؛ ولی به هر روی، از واقعیتی سخن می گوید که وجود دارد و در طول زمان، حاصل شده است. پرسشی که اینجا مطرح می شود، این است که آیا عرفی سازی مفاهیم آسمانی نمی تواند عنصری و مؤلفی از مفهوم^{۱۱} سکولاریسم باشد؟ البته هر گاه مقوله ای را عرفی و مادی می سازیم، لزوماً درون کادر سکولاریسم نیستیم؛ اما برای نفی آن نیز باید استدلال داشت. به ویژه اگر بپذیریم که عرفی شدن و مادی شدن، به سرعت این آمادگی و توانایی را دارد که ما را به عرصه های این جهانی و مدار بسته سکولار بکشاند.

- 8. Medium
- 9. Content
- 10. Symbol
- 11. Context



نهایت آنگه

باید سکولاریزاسیون و نسبت آن با دین را دقیق‌تر ترسیم کرد؛ اما دو برابر سکولاریسم، باید عناصر آن را دقیق‌تر شناخت. سکولاریسم به هیچ وجه، منحصر در حوزه سیاست و جامعه نیست و کوچک‌ترین و شخصی‌ترین ویژگی‌های انسانی نیز در دامنه سکولاریسم قابل تعریف است.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی